



ماندن  
خدمت شاگرد  
دکتر دیوید پلات  
۲۳ سپتامبر ۲۰۰۷

## خدمت شاگرد

متی ۹:۳۵ – ۱۰:۴

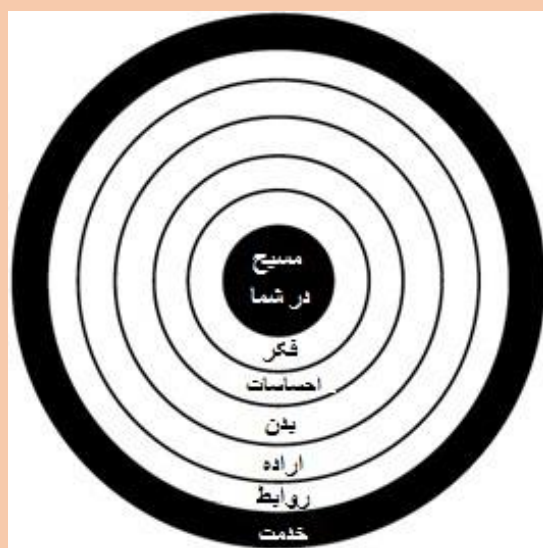
خداوند را شکر میکنیم! زیرا همان خدایی که فرمود: «روشنایی از میان تاریکی بدرخشد،» در قلب‌های ما نیز درخشیده است تا آن نور معرفت جلال خدا که در چهره مسیح مشاهده می‌شود بر ما بدرخشد. نوری که در دور دستها میدرخشد اکنون در خانه ما نیز میدرخشد. وقتی خدا قلب خودش را برای جهان درون ما قرار میدهد، اون بطور اساسی دیدگاه ما رو نسبت به کسانی که در اطراف ما زندگی میکنند، تغییر میدهد. و ما میفهمیم که مفهوم این خدمت این نیست که اینجا و یا آنجا خدمت کنیم. خدمت هم اینجا هست و هم آنجا. دیگه فرقی نمیکنه بیرمنگام باشه یا ملل دیگه. خدمت هم برای بیرمنگام هست و هم برای ملت‌ها. ما همه اون‌ها را برای جلال او می‌خوایم. و اون تصویری است از کاری که خدا انجام میدهد. او در همین جا مشغول کاره. به همین دلیل هر گروه کوچکی از کلیسا، هر گروه کوچکی بخشی از این خدمت اینجا در این شهر و در سراسر دنیا هست.

اگه کتاب مقدس دارید و امیدوارم که داشته باشید، از شما دعوت میکنم به همراه من غلاطیان ۱ رو باز کنید من نتونستم بین دو متن تصمیم بگیرم که روی کدوم موعظه کنم پس به هر

دوی اونها سر خواهیم زد. البته نترسید ما در غلطیان یک خیلی توقف نخواهیم کرد و میذاریم که اون ما رو به متی ۹ هدایت کنه. اما میخوام از غلطیان ۱ شروع کنم.

## چرا مسیح در شما هست؟

در دو موعظه گذشته ما، معنی حقیقت بودن در مسیح، و بودن مسیح در ما را دیدیم. دعا میکنم که خدا با فیض خود ما را قادر کنه تا واقعیت آن دو حقیقت با شکوه را تجربه کنیم. معنی بودن در مسیح و بودن مسیح در ما چیه؟ اما سئوالی که میخوام بپرسم اینه، چرا خدا مسیح را در شما قرار داده؟ چرا خدا مسیح را در ما قرار داده؟ به نمودار دایره ها که هفته گذشته در موردش حرف زدیم فکر کنید. یادتونه دایره میانی واقعیت مسیح در شما رو به تصویر میکشید. نمودار به ما کمک میکنه بفهمیم چطور مسیح هر چیزی را که مربوط به هویت ما هست، فیلتر میکنه. او بر افکار، احساسات، بدن، اراده و روابط ما تأثیر میذاره.



در طی پنج موعظه آینده ما این را مطالعه خواهیم کرد. مسیح چطور بر افکار ما و نحوه اندیشیدن ما تأثیر می‌ذاره، بر چگونگی احساس ما تأثیر می‌ذاره، بر نحوه عمل ما، بر بدن و اراده ما و روابط ما تأثیر می‌ذاره؟

امروز می‌خوایم به دایره بیرونی تصویر خدمت نگاه کنیم. و می‌خوام این سؤالو بپرسیم " چرا مسیح بر افکار، احساسات، بدن، اراده، روابط ما تأثیر می‌ذاره؟ او برای این کار دلیلی داره، و دلیلش هم اینه که می‌خواد از همه شما استفاده کنه؛ از تمامی شما هر آنچه که هستید - فکر شما، احساسات شما، بدن شما، اراده شما، روابط شما، دوستی شما، ازدواج شما، پدر یا مادر بودن شما او می‌خواد از تمامی عرصه های وجود شما استفاده کنه تا جلال خودش را بر تمام دنیا ظاهر کنه. او از بودن در شما منظوری داره. و می‌خوام ببینید که اون در غلاطیان ۱ به خوبی باز شده. دو آیه ساده که برای درک مسیحیت ما بسیار کلیدی هستند. ما می‌خواهیم به بخشی نگاه کنیم که در اون پولس نحوه ایمان آوردنش به مسیح را توضیح میده. به چیزی که او در آیه ۱۵ می‌گه نگاه کنید، او می‌گه: "ما وقتی خدا که مرا قبل از تولد برگزیده و به وسیله فیض خود مرا دعوت کرده بود صلاح دانست... به این نگاه کنید - "[خدا] صلاح دانست که پسر خود را در من ظاهر سازد تا...". - اینجا هدفی هست که ضمیمه شده - " تا بشارت او را به ملل غیر یهود برسانم" (غلاطیان ۱: ۱۵ - ۱۶).

### مسیح به خاطر آنها در شماست

مطلب رو گرفتید؟ پولس گفته خدا با فیض خودش صلاح دانست که پسرش را بر من آشکار کند، مسیح را به منظوری در من قرار بده؛ تا اینکه من او را به ملل غیر یهودی اعلام کنم. چرا، پولس؟ چرا خدا تو را نجات داد؟ چرا خدا تو رو به سوی مسیح آورد؟ و پولس می‌گه، " او این کارو کرد تا من مسیح را به دنیای اطرافم، اعلام کنم، و مسیح را به دنیا نشان دهم. این دلیل وجود عیسی در ما هست. او بنا به دلیلی در ما هست او برای خدمت درون ما هست. موضوعی که به مطالعه ما از متن جهت میده این هست، مسیح، بخاطر آنها در شما هست. و

آنها اشاره به افرادی هست که مسیح را نمی شناسند - ملت ها، کسانی که هر روزه تحت تأثیر شما هستند، مردمی که در خاور میانه هستند و یا در هرجائی از این کرهٔ خاکی، مسیح در شماست به خاطر آنها.

حالا با توجه به اون تصویر، میخوام با هم به انجیل متی مراجعه کنیم. متی ۹. و میخوام به متن حیرت انگیزی از کتاب مقدس نگاه کنیم. اون متی است که شمه ای از قلب عیسی را به ما نشون میده که زندگی ها را تبدیل میکنه. اگه متی ۹ را باز کردید میخوایم از آیهٔ ۳۵ شروع کنیم، میخوام زمینه رو بدونید چون زمینه بسیار مهم هست. در متی ۳ عیسی تعمید گرفته. در متی ۴ او وسوسه شده و در باب ۵ او خدمتش رو شروع میکنه. و خدمت او مربوط به تعلیم و موعظه و شفای مردم هست. این چیزیه که عملاً آیهٔ ۳۵ به ما میگه. او در سرتاسر این نواحی گشته، و موعظه میکنه و تعلیم میده و مردم را از هر بیماری شفا میده. این چیزیه که ما تا این نقطه از متی از او دیده ایم. در متی ۵ - ۷ او تعلیم میده - موعظه سر کوه بعد در متی ۸ و ۹ او رو می بینید که خبر خوش را موعظه میکنه و مردم را شفا میده. و این نقطهٔ عطفی در کل کتاب متی هست چون در این نقطه هست که ما اساساً خلاصه ای از آنچه را که عیسی میکرده به دست میاریم. و بعد در باب کاری که عیسی میکنه اینه که شاگردان را میفرسته. و میدونید او شاگردان رو می فرسته که چیکار کنند؟ او شاگردان را می فرسته تا دقیقاً همان کارهائی را بکنند که او انجام میداده. او میگه " بروید و تعلیم دهید و موعظه کنید و شفا بدید." و چیزی که ما در این نقطهٔ عطف متی میبینیم یک موازات حیرت انگیز بین عیسی و شاگردان هست.

عیسی تعلیم میده، موعظه میکنه و شفا میده و بعد او شاگردان را میفرسته و آنها تعلیم میدند و موعظه می کنند و شفا میدهند. و تصویر اینه که عیسی تمام کارهانش را توسط آنها انجام میده. و به آنها قدرت میده که تمام این کارها را بکنند، تعلیم بدنند، موعظه کنند و شفا بدنند. این تصویری از این واقعیت هست که عیسی آمد تا به ما قدرت بده، به قوم خودش به کسانی که او را پیروی میکنند تا کارهایی را انجام دهند که او انجام میداد.

به این دلیل او باید به آسمان میرفت تا روح خودش را بفرسته تا در ما زندگی کنه، چون مسیح باید در ما باشه تا ما دقیقاً کارهائی را بکنیم که او انجام میداد. بنا بر این وقتی ما به متی ۳۵:۹ و دنباله اون میرسیم، میخوام بفهمید تصویری که اینجا از مسیح خواهید دید، همون مسیح هست که اگه شما به او اعتماد کرده اید و اگه شما پیرو مسیح هستید، درون شما ساکنه، این همون مسیح هست که قلبش درون شما هست. پس اونو به خاطر بسپارید و ببینید او اینجا چی میگه. آیه ۳۵:

عیسی در تمام شهرها و دهات می‌گشت و در کنیسه‌ها تعلیم می‌داد و مژده پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد و هر نوع ناخوشی و بیماری را شفا می‌داد. وقتی او جمعیت زیادی را دید دلش به حال آنها سوخت زیرا آنان مانند گوسفندان بدون شبان پریشان حال و درمانده بودند. پس به شاگردان خود گفت: «در حقیقت محصول فراوان است ولی کارگر، کم. بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کارگرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستد. عیسی دوازده حواری را پیش خود خواند و به آنان قدرت داد تا ارواح ناپاک را بیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا بخشند. این است اسامی آن دوازده رسول: اول شمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس، یعقوب فرزند زبدي و برادرش یوحنا، فیلیپس و برتولما، توما و متای باجگیر، یعقوب پسر حلفی و تدی، شمعون غیور و یهودای اسخریوطی که عیسی را به دست دشمنان تسلیم کرد. (متی ۳۵:۹ – ۴:۱۰)

این متن حیرت انگیزی از کتاب مقدس هست که به ما شمه ای از قلب مسیح را میده نسبت به کسانی که پدر را نمی شناسند. همان قلب مسیح که او درون یکایک هر کدوم از ما قرار داده. پس وقتی مسیح در ما هست، اون چطور بر نحوه تعامل ما و دیدگاه ما از دنیای اطرافمون تأثیر میذاره؟

## زندگی شما اکنون برای محبت مسیح نسبت به آنها سپری همیشه

شماره ۱: وقتی مسیح در شما هست، زندگی شما اکنون برای محبت مسیح نسبت به آنها سپری همیشه. زندگی شما اکنون برای محبت مسیح نسبت به کسانی سپری همیشه که پدر را نمی شناسند. چنین به نظر میرسد که روح القدس قلب مسیح را باز میکند تا اینجا تصویری به ما بدهد. او میگوید، "وقتی او جمعیت زیادی را دید دلش به حال آنها سوخت" (متی ۹: ۳۶). و این کلامی بسیار غنی هست. چیزی که واقعاً در مورد این کلام جالب هست اینست که در سرتاسر عهد جدید اون نه بار در جاهای مختلف بکار رفته، اما جالب اینست که اون بار که اون بکار رفته، به این دلیل بوده که در مورد شفقت مسیح صحبت کنه. اون هرگز حتی یکبار هم به این منظور نبوده که شفقت کس دیگه ای جز عیسی را نشون بده.

پس این کلمه در عهد جدید به مسیح اختصاص داره. این شفقتی هست که او داره. و اینجا تصویری برای ما هست. شفقت مسیح چیزی نیست که بطور طبیعی به هر کدوم از ما بیاد. چیزی نیست که بطور اتوماتیک داشته باشیم. شفقت مسیح چیزیه که او در ما قرار میده و از ما جاری میشه. اون فقط میتونه از او که منبع اش هست بیاد. پس میخوام ببینید این شفقت چطور عمل میکنه. شفقت او چطور بر ما تأثیر میذاره؟ اون چطور از ما جاری میشه؟

اولاً، در مسیح ما خیل جمعیت را می بینیم. وقتی او جمعیت را دید، وقتی او انبوه مردم را دید. هفته گذشته من در یه شهری بودم که از تپه های مختلف تشکیل شده و اونجا تپه ای هست که از همه بلند تره. اساساً کوهی در وسط شهر هست که میتونید روی اون بایستید و تمام این شهر را در اون کشور خاور میانه ای ببینید. شما میتونید دور این تپه ها همه خانه های شهر را ببینید تا چشم کار میکنه، خانه ها خانه های بیشمار میبینید. عملاً میتونید ۲.۱ میلیون نفر جمعیت در این شهر ببینید.

و فکرش را بکنید که ۸۰٪ - ۹۰٪ از این مردم هرگز شخصاً نشنیده اند که عیسی به خاطر گناهان آنها بر روی صلیب جان خود را فدا کرد. این وسیع ترین تصویری بود که من از تاریکی روحانی دیده بودم. و تنها چیزی که همیشه با اون مقایسه کرد بعضی شهر ها در

هندوستان هستند که میلیونها و میلیونها نفر جمعیت دارند با این تفاوت که در اون شهر های هندوستان که من آنجا بودم می تونستیم انجیل را با مردم در میون بذاریم. اما در اون شهر خاور میانه ای که در موردش گفتم به محض اینکه به اولین نفر که مسلمان هست انجیل را بشارت بدید دستگیر و از کشور اخراج میشدید.

پس وقتی این تاریکی روحانی وسیع را می بینید و میدونید که بردن انجیل به اون ها غیر قانونی هست و میدونید که این ها هم به خیل عظیم میلیاردری مردمی می پیوندند، یک میلیارد جمعیت جهان که وقتی انجیل را میشنوند برای اون وقت ندارند. میتونید به عمق تاریکی روحانی پی ببرید.

خدایا کمک کن بتونیم خیل جمعیت را ببینیم. چهار برابر جمعیت ایالات متحده امریکا هرگز کسی یکبار هم از انجیل با اونها صحبت نکرده. خدایا کمک کن که این انبوه جمعیت را ببینیم.

هادسون تیلور، مبشر انگلیسی در چین اینطور گفته: " چطور همه مسیحیان در انگلستان میتونند آروم بنشینند و دست روی دست بذارند، در حالی که این خیل عظیم جمعیت هلاک میشند، بخاطر عدم معرفت هلاک میشند که انگلستان به فراوانی از اون برخوردار هست؟" خدایا کمک کن اندازه اونها را ببینیم، انبوه مردمی را ببینیم که هرگز نام او را هم نشنیده اند.

در مسیح ما رنج جمعیت انبوه را حس میکنیم. وقتی او جمعیت زیادی را دید دلش به حال آنها سوخت. چرا؟ "چون آنان مانند گوسفندان بدون شبان پریشان حال و درمانده بودند" (متی ۹:۳۶). و این تصویری غنی در اینجاست. چرا او دلسوزی و شفقت داشت؟ چون آنها پریشان و درمانده بودند. و اون عملاً میگه: دلش به حال آنها سوخت – این بیش از یک شفقت عقلانی و فکری بود. اون یک شفقت احساسی و عملی و یک احساس دلسوزی جسمانی بود.

اون همون چیزیه که در یوحنا ۱۱ میبینیم وقتی ایلعازر مرده بود و او میاد و مریم و مارتا را می بینه که گریه میکنند. و اون میگه عیسی وقتی او و یهودیانی را که همراه او بودند گریان دید از دل آهی کشید و سخت متأثر شد و با اونها گریه کرد. اون همون تصویری هست که در

لوقا میبینیم که عیسی بر سر کوه میاد و برای آخرین بار قبل از اینکه وارد شهر بشه و بعد مصلوب بشه به شهر اورشلیم نگاه میکنه، آیه اینطور میگه: لوقا " او شهر را دید" و گریه کرد. چرا او گریه کرد؟ چرا او آنقدر متأثر شد، چون آنها پریشان حال و درمانده بودند. اونها دو کلمه غنی هستند. اساساً این کلمه پریشان به معنی آشفتگی و سراسیمگی هست و تصویر درماندگی در اینجا عملاً به معنی، ناتوانی و بی اختیاری و ضعف بی نهایت هست. عیسی جمعیت را اینطور درک میکرد.

حالا این خیلی عظیم هست که عیسی به رنج جمعیت واکنش نشون میده. وقتی او جمعیت را میدید، چون او میدونست، میدونست که همه اون جمعیت زندگیشون مالا مال از گناه هست، گناهی که آنها را از پدر جدا میکرد. اما میخوام واکنش او را ببینید. واکنش او تنها خشم نسبت به گناه آنها نبود. واکنش او دلسوزی برای رنج آنها بود که در نتیجه گناه شان تحمل میکردند. و این واقعاً عظیم هست. بذارید ازتون سئوالی بپرسم. وقتی به مردم در خاورمیانه فکر میکنید، چه تصویری به ذهنتون میاد؟ من حدس میزنم بلافاصله تصویری از سی ان ان و فاکس نیوز به ذهنمون میاد و به تروریست و به شریر فکر میکنیم، به مردمان بد، اونهایی که در منازعه دائمی زندگی میکنند، کسانی که مشکل ساز هستند، و کسانی که باید از اونها دوری کرد. و اگه واکنش ما این هست، پس نکته اصلی مسیح در ما را از دست داده ایم. چون او وقتی جمعیت را میدید، به خاطر گناه شان با خشم به اونها نگاه نمیکرد. او به خاطر رنج آنها با دلسوزی به آنها نگاه میکرد. مردم خاور میانه را ببینید میلیونها نفر از آنها، مردمی عجیب، مردمی ارزشمند که به شباهت خدا خلق شده اند، بله اونها گناه میکنند، اما شما هم میکنید. و خدا آنها را برای جلال خودش خلق کرده و اونها را با دست خودش شکل داده و عمیقاً به آنها علاقه داره و رنج آنها را حس میکنه.

بله، ما پنج دقیقه با محل انفجار بمب در ماشینی در جنوب بیروت فاصله داشتیم، اما این چیزیه که اونا هر روز دارند توی بیروت اونو زندگی میکنند. هر روز لحظه به لحظه، اونا نمیدونند کی و کجا منفجر میشه. یکی دو ساعت بعد از اون انفجار من توی یه کلیسا موعظه



میکردم، برای این مردمی که بعضی از اونها در ۱۰۰ یا ۲۰۰ متری محل حادثه بودند. و اونا میدونستند وقتی صبح بیدار شدند و به جریان زندگی روزمره پیوستند ممکنه در زمانی غلط در جائی غلط باشند. اونا هرگز نمیدونند کی اتفاق خواهد افتاد. اونا میگفتند این زندگی ما هست.

خدایا به ما کمک کن رنج آنها رو حس کنیم و فقط گناهشون را نبینیم. خدایا کمک کن مثل سی ان ان نبینیم بلکه مثل مسیح ببینیم. کمک کن چیزی را که شبکه خبری فاکس حس میکنه حس نکنیم. کمک کن چیزی را که مسیح حس میکنه حس کنیم. کمک کن کلیسائی باشیم که بخاطر رنج های مردم دنیا عمیقاً متأثر شویم. آنها پریشان و مثل گوسفندان بی شبان هستند. در مسیح ما اندازه آنها را می بینیم، رنج آنها را احساس می کنیم، و در مسیح ما جدائی از جمعیت ها را درک می کنیم.

اونها به عنوان گوسفندان بدون شبان توصیف شدند، گوسفندانی که پراکنده شدند و هیچ کس اونها را هدایت نمیکند، هیچ شبانی اونها رو هدایت نمیکند. یکی از تلخ ترین چیزهائی که خانمی در این شهر به ما گفت این بود، "این جمعیتی که میبینید مسیح را رد نکردند، اونا هرگز حتی با او ملاقات نکردند." گوسفندانی بدون شبان.

و در این نقطه هست که عیسی تصویر را بر میگرددونه و تصویر یک محصول را نشان میده – محصول فراوان است. و چیزی که من هرگز در متی ۹ ندیده بودم و وقتی این متن رو مطالعه میکردم خدا چشمان منو به اون باز کرد تصویر محصول بود که اینجا در متی ۹ بکار رفته اون همنیطور در جاهای دیگر کتاب مقدس هم بکار رفته. میتونید در سرتاسر کتاب مقدس به این نگاه کنید ما وقت نداریم که به بعضی از این متن ها نگاه کنیم اما اشعیا، شاید بخواید این ها رو یادداشت کنید، اما اشعیا ۱۷:۱۰ – ۱۱ در مورد محصول در زمانی صحبت میکنه که خدا بر گناه داوری خواهد کرد. یوئیل ۳:۱۱ – ۱۴ دقیقاً در مورد همون چیز صحبت میکنه. وقتی زمان برداشت محصول برسه این زمانی هست که خدا گناه را داوری خواهد کرد. این تصویر خوبی در اشعیا و یا یوئیل نیست. به متی ۳۰:۱۳ برگردید و

بعد در انتهای اون باب آیات ۴۰ تا ۴۲ چیزی که میبینید اینه که عیسی در مورد برداشت محصول صحبت کرده و زمانی که گندم از کرکاس جدا خواهد شد. این زمانیه که نشان خواهد داد چه کسی از همه آنها به هلاکت ابدی دچار خواهد شد. بعد به مکاشفه ۱۴:۱۴ – ۲۰ برید و اونجا تصویری رو میبینید و اونجا درو محصول، تصویری است که برای توصیف داوری نهائی و ابدی خدا بکار رفته. داوری ابدی بر کسانی که به خاطر گناهانشان از مسیح جدا هستند. این تصویری است که ما در مورد برداشت محصول از کتاب مقدس به دست آورده ایم.

بنابر این وقتی عیسی این تصویر را برای این یهودیان مسیحی بکار میبره اونها این را خوندند و میدوندند... تصویر این هست. چرا عیسی اونطور برای کسانی که گم شده اند دلسوزی میکنه؟ چرا از اونها درخواست میکنه که برای برداشت محصول بروند؟ او از آنها میخواه که به کشتزار ها بروند چون داوری خدا حتمی هست. داوری خدا بر گناه ابدی هست. داوری او بر گناه دائمی هست و اگه الان برای برداشت محصول نرید اون موقع محصول را تا ابد از دست خواهید داد. اگه امروز انجیل را به این مردم نرسانید اون موقع بسیاری از آنها داوری ابدی خدا را تجربه خواهند کرد. به این دلیل عیسی دلش برای آنها می سوخت. او آه کشیدن اونها را می دید و رنج آنها را حس میکرد و جدائی آنها را درک میکرد.

خدایا کمک کن آه کشیدن ملت ها را ببینیم، کمک کن رنج انبوه مردم را ببینیم، کمک کن جدائی آنها را ببینیم و در نتیجه باید بفهمیم ما نمیتونیم دیگه برای خودمون زندگی کنیم. با این تصاویری که از نیاز مردم و قلب عیسی در ما به دست آوردیم هیچ امکان نداره که ما در مسیحیت برای خودمان زندگی کنیم و این مسیحیت برای آنهاست. مسیح بخاطر آنها در شما هست. ما در خدمت محبت مسیح نسبت به آنها هستیم. سه شب پشت سر هم ما این فرصت را داشتیم که با سه گروه از مسلمان ها بنشینیم، دو خانواده و بعد یک گروه از مسلمان ها. ما در طی رمضان آنجا بودیم. رمضان ماه مقدس مسلمان ها هست که در طی آن روزه میگیرند و از خوردن آب و غذا اجتناب میکنند. در یکی از کشور های منطقه اگه یک جرعه آب بنوشید

برای همون دستگیر میشدید پس باید بطری آب تون رو همیشه توی کیف دستی خودتون نگهدارید.

ما سه شب پشت سر هم برای صرف غذا که افطار می گفتند رفتیم. اون در حقیقت به معنی صبحانه هست. اما در واقع شکستن روزه هست. اون غذائی هست که آنها بعد از غروب آفتاب و بعد از خواندن اذان مغرب صرف میشه. و ما این فرصت را داشتیم که در این زمان در دو خانه متفاوت و در جائی دیگه با این گروه باشیم. و اونها از فرهنگ و مذهب خودشون به ما میگفتند. و هیچ سئوالی در مورد عقاید ما نمی پرسیدند و به نظر میرسید خیلی به دانستن فرهنگ و عقاید ما راغب نیستند. شب اول ما نشستیم و این خانواده به ما خیر مقدم گفتند و تمام مدت ما به آنها گوش کردیم. بسیار مهمان نواز بودند، بسیار مهمان نواز تر از هر تصویری که من در ایالات متحده دیده بودم. بسیار به گرمی از ما پذیرائی کردند و ما روی زمین کف اتاق نشستیم. عملاً روی سفره خم میشدیم و غذا میخوردیم و اونها از فرهنگ و مذهب خودشون و چیز های مختلف میگفتند. ما فقط ساعت ها نشسته بودیم و گوش میکردیم و چیزهایی باور نکردنی یاد می گرفتیم و وقت بسیار خوبی با اونها داشتیم.

شب بعد گرچه انتظار داشتیم همون روال شب قبل ادامه پیدا کنه، روی زمین نشستیم و این عده چیز های مختلفی را در مورد عقاید و باور های خودشون به ما میگفتند، اما یکی از اونها پرسید خوب شما ها به چی باور دارید؟ یادتون باشه که این کشوری هست که شما اجازه ندارید انجیل را به مردم بشارت بدید پس شما اونجا به مسئله دارید خوب؟ چقدر میخوام به اونها بگم؟ و تصمیم گرفتیم، خوب چرا نه؟

پس ما شروع کردیم و گفتگوی بسیار جالبی بود. در اسلام الوهیت مسیح مسئله بسیار خطیری هست. اونها باور نمی کنند که عیسی خدا هست. اونا میگند عیسی یه پیغمبر هست، اما خدا یک انسان نمیشه. او شأن خودش رو پائین نمی آره که انسان بشه. بحث کردن روی الوهیت مسیح سر میز فایده ای نداره...

من شروع کردم به توضیح اینکه وقتی من همسرم رو برای اولین بار دیدم و عاشق او شدم ، با عشق و علاقه او رو دنبال میکردم، یکی از اونا پرسید مذهب شما اینه؟ گفتم لطفاً فقط گوش کنید. شروع کردم به تعقیب او با عشق و علاقه و مدتها گذشت اما نمیتونستم کس دیگه ای را بفرستم که به او بگه من دوستش دارم، نمی خواستم دوستانم را بفرستم که به او بگند من دوستش دارم. نمی خواستم دوستان او رو بفرستم که به او بگند. نمیتونستم اونها رو بفرستم که به او بگند چون در مورد عشق و محبت باید خودم شخصاً میرفتم. گفتم خدا محبت لایتنهای هست و این مهمه که او چطور محبتش را نشون میده. او کس دیگه ای را نمی فرسته. بلکه خود او شخصاً میاد. اونا شروع کردند به گوش دادن و واقعاً جالب بود اونا شروع کردند به صحبت کردن که مطمئن نیستند که آیا ابدیت را با خدا در بهشت سپری خواهند کرد یا نه.

من گفتم بذارید باز هم به مسئله تعقیب زنم با محبت برگردم. گفتم: "بذارید دو تا سناریو بهتر بدم، چی میشد اگه من به زنم میگفتم تا وقتی عاشق او هستم که غذا های خوبی میپزه و کارها را اونطور که من میخوام انجام میده و تا وقتی او اون کارها را بکنه من او رو دوست دارم، اما اگه اون کارها را انجام نداد نمیتونم دوستش داشته باشم و او دیگه نمیتونه با من بمونه؟" یا از طرف دیگه چی میشد اگه من به زنم میگفتم: من عاشق او هستم و مهم نیست چه اتفاقی میفته و یا او چیکار میکنه من همیشه عاشق او خواهم بود. و او میتونه همیشه با من بمونه. پرسیدم کدوم میتونه ابراز عشق بزرگتری باشه؟ اونا گفتند البته دومی، محبت بی قید و شرط. گفتم: درسته. او پدریه که میگه: " من صرف نظر از هر کاری که میکنی دوستت دارم، محبتت را نثارت میکنم." یک از اونا که با دقت گوش میکرد برگشت و گفت: پس ما خدا را دوست داریم چون او ما را دوست داره؟ اون مرد بدون اینکه متوجه باشه داشت اول یوحنا ۱۹:۴ را نقل میکرد!

این بسیار زیباست. و شب بعد ما با خانواده دیگه ای بودیم و وارد صحبت های خاص نشده بودیم که چطور مسیح خدا هست. ما در مورد این صحبت نکرده بودیم که چطور مسیح بر

صلیب مرد. فردا شب آخرین شب ما در اون کشور بود و اونا شروع کردند از ما در مورد ایمان ما سؤال کردند. و این فرصت خوبی برای ما بود. این بار همه بیرون بودیم. ما شروع کردیم و گفتیم که چطور خدا محبتش را با دادن جان خودش به روشنی نشان داد. جواب اونها مثل همیشه این بود. خدا خودش را اینطور کوچک نمیکند. خدا بزرگتر از اونه که این کارو بکنه. من به اونها نگاه کردم و گفتم: خداوند در کلام خودش میگه: محبتی بزرگتر از این نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند. آیا این محبت بزرگ نیست؟ اونها گفتند: "بله اون محبت بزرگی هست." گفتم این محبت بزرگ خداست. و جالب بود که در هر سه مورد گفتگو که با اونها داشتیم تاریکی حاکم بر اونها کاملاً مشخص بود و بعد گوش کنید یکی از اونها چی میگفت، او یک مرد مسلمان بود. او میگفت اگه شما می تونستید صدای فریاد کسایی را که در جهنم هستند بشنوید، شما نمی تونستید اونو تحمل کنید. اون جمله بقدری گزنده و تلخ بود که من همونجا دعا کردم، "خدایا دعا میکنم که کلیسا صدای مسیح را بشنوه. و دعا کردم که ما نتونیم وضعیت این مردم را تحمل کنیم، دعا کردم انبوه جمعیت را ببینیم، رنج آنها را حس کنیم، جدائی آنها را بفهمیم و تصمیم بگیریم دیگه برای خودمون زندگی نکنیم. و برای رساندن محبت مسیح به آنها بسیج بشیم. وقتی او جمعیت را میدید دلش به حال آنها می سوخت چون آنها مثل گوسفندان بدون شبان پریشان و درمانده بودند.

### زندگی شما حالا وقف بدن مسیح برای آنها شده

حالا اینجا جائیه که واقعاً جالب میشه. در مسیح زندگی شما اکنون برای محبت مسیح نسبت به آنها سپری میشه، اما دوم، زندگی شما حالا وقف بدن مسیح برای آنها شده. وقف بدن مسیح به خاطر آنهایی که در مسیح نیستند. و میخوام ببینید که چه اتفاقی می افته. این بسیار جالبه. متن بر محبت مسیح نسبت به کسانی که گمشده هستند متمرکز هست، کسانی که از او جدا هستند. اما بعد وقتی او شروع میکنه با شاگردانش صحبت میکنه، او در باره کسانی که مسیح را نمی

شناسند صحبت نمیکنه. او در باره کلیسا حرف میزنه. او به شاگردانش گفت: « در حقیقت محصول فراوان است ولی کارگر، کم. بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کار گرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستد» (متی ۹: ۳۷ - ۳۸).

این جالب نیست؟ شما انتظار داشتید که او در این جا بگه، " آنها پریشان و درمانده اند، آنها بدون پدر هستند، برای آنها دعا کنید، دعا کنید تا بیاند و پدر را بشناسند. برای آنها دعا کنید." این چیزی نیست که عیسی میگه. عیسی نمیگه برای گم شدگان دعا کنید. من نمیگم که دعا کردن برای کسانی که مسیح را نمی شناسند بد هست. من فکر میکنم جاهای دیگه ای در عهد جدید هست که اون تصویر را به ما میده، اما نه اینجا. عیسی نمیگه برای کسانی که مسیح را نمی شناسند دعا کنید. او نمیگه برای گم شدگان دعا کنید. او میگه برای کلیسا دعا کنید.

این جالب نیست؟ آشکارا نگرانی عیسی از این نیست که شاید گمشدگان نزد پدر نیابند، نگرانی عیسی از اینه که کلیسا نزد گم شدگان نره. مطلب را گرفتید؟ عیسی از این نگران نیست که گمشدگان نزد پدر نیابند، نگرانی او از اینه که مبادا کلیسا نزد گم شدگان نره.

وای چه تصویری! و اگه بخوام کاملاً با شما رو راست باشم باید بگم این احتمالاً مأیوس کننده ترین قسمت از دو هفته گذشته برای من بوده. برادران و خواهران گرانقدر! حتی مأیوس کننده تر از گم گشتگی روحانی وسیع، تصویری از کلیسا بود که ما که در خاورمیانه دیدیم. اون تصویر بسیار ناامید کننده ای بود.

مسئله این هست که اساساً در خاور میانه مسیحی بودن در واقع بیشتر مربوط به وضعیت سیاسی و فرهنگی هست تا وضعیت مذهبی شخص. در خاور میانه فقط به دلیل اینکه شما مسیحی هستید همیشه گفت که پیرو عیسی مسیح هم هستید. معنیش اینه که شما مسلمان نیستید یا معنیش اینه که به طرز مشخصی رأی میدید. معنیش اینه که شما شاید به کلیسا برید یا عضو کلیسا باشید و اون کلیسا ممکنه به انجیل ایمان داشته باشه و ممکنه ایمان نداشته باشه.

ما با بعضی از شبان ها صحبت کردیم، یک شبان که عضو کلیسایی بود و میگفت وقتی فهمیدم که شبان من تولد تازه نداره کلیسای دیگه ای پیدا کردم و به آنجا رفتم. خوب این تقریباً

تصویر هست که از کلیساها در خاور میانه داریم. مسیحیت در آنجا واقعاً بیشتر سیاسی و فرهنگی هست تا مذهبی. اما ما این فرصت را داشتیم که در چند کشور مختلف با برخی رهبران کلیسا وقت داشته باشیم و از چگونگی کلیسا تصویری به دست بیاریم. اینها کلیسا های پروتستان نبودند، کلیسا هائی که به انجیل باور داشته باشند. اما از اون کلیساهائی که اونجا هستند، اونهایی که ما از شون خبر داریم، بیشتر اونها درگیر دو مسئله هستند و اون دو عبارتند از پول و قدرت. و تصویر این هست که اکثر اون کلیسا ها یا توسط کلیسا های غربی تأسیس شدند و یا توسط آنها پشتیبانی میشوند. و با فرهنگ غربی اداره میشوند. و در یکی از کشور ها حتی یک کلیسا هم نبود که توسط یک ناسیونالیست شروع شده باشه. همه توسط غربی ها شروع شده و توسط غربی ها حمایت می شدند.

چیزی که اونجا می بینید اینه که رهبران کلیسا که در آنجا هستند بیشترین زمان شان صرف یافتن منابع مالی از غرب برای ساختن ساختمان و خلق برنامه هائی در کلیسا میشه و برای یافتن منابع مالی از غرب برای ساختن ساختمان و برنامه های جاری کلیسا با همدیگه رقابت میکنند.

و در اون کشور بخصوص که حتی یک کلیسا هم توسط افراد محلی شروع نشده یکی از کلیسا ها آماده میشه که به یک کلیسای بزرگ یا به قول خودشون یک مگا چرچ در اون کشور تبدیل بشه. آنها میخواند یه کلیسای بزرگ بسازند. یک مگا چرچ با چند صد نفر عضو. آنها طرحی برای یک کلیسای بزرگ دارند و دنبال منابع مالی برا احداث آن هستند. مشکل این جاست که برای یک مسلمان آمدن به چنان کلیسای ساختمانی در آن فرهنگ میتونه به بهای جان او تموم بشه. چون همونطور که در آنجا مسیحیت بیشتر فرهنگی و سیاسی هست تا مذهبی اسلام هم به همون ترتیب فرهنگی و سیاسی هست و شاید هم به مراتب بیشتر، پس وقتی کسی شروع کنه به کلیسا رفتن حتی یک بار این میتونه بی احترامی به فرهنگ و میراث ملی به حساب بیاد و شخص میتونه زندگی شو به این دلیل از دست بده چون طبق قوانین شریعت اسلام مجازات برگشتن از اسلام برای مردان اعدام و برای زنان حبس مادام

العمر هست. پس برای یک مسلمان ملحق شدن به یک برنامه مسیحی و یا رفتن به کلیسا میتونه به بهای زندگی او تموم بشه.

پس آشکارا این راه مؤثری برای رساندن پیغام انجیل به یک جامعه مسلمان نیست. اینطور نیست؟ به نظرم آن یه راه آسون هست. و راه هوشمندانه ای نیست. و اما اینجا سئوالی پیش میاد و اون اینه که رهبران این کلیسا از کجا به این فکر افتادند که ساختن چنان ساختمانی و داشتن برنامه های زیبا میتونه بهترین راه برای انتشار پیغام انجیل باشه؟

آنها نمونه های مینیستری ها را دیده اند. ما در چند کلیسای مختلف بودیم و همه آنها بازتابی از نمونه های مینیستری های قوی غربی بودند. آنها از مینیستری های الگو گرفتند که میگند "منابع خودتون را صرف بنا های زیبا و برنامه های عظیم بکنید و کلیسای موفق خواهد داشت." این چیزیه که آنها در ما دیده اند. این کاریه که آنها میکنند. در حالی که دنیای اسلام در خاور میانه هنوز نشسته و در انتظار شنیدن خبر خوش هست.

داشتیم با یه نفر صحبت میکردیم و پرسیدیم: "چیکار میتونیم بکنیم که به پیشرفت کلیسا در اینجا کمک کنیم؟" او بلافاصله اینطور جواب داد: "شما با کاری که میکنید و کاری که نمی خواهید بکنید مانع پیشرفت ما میشید." این جوابی بود که ما از اون شخص دریافت کردیم. شما اصلاً دلتون نمیخواد در میانه گم گشتگی گسترده روحانی این را بشنوید.

لازم نیست راه دور بریم، این توی کلیسا های دیگه نیست. ما ۸۰٪ بودجه خودمون را صرف ساختمان و پرداخت حقوق پرسنل میکنیم. و روی هم رفته با کلیسا های سرتاسر جنوب شرق ایالات متحده و سرتاسر کشور در همه جا ما با هم به برادران و خواهران مان در سراسر دنیا نشون داده ایم که این عاقلانه ترین راه برای صرف منابع مالی مان برای جلال پادشاهی خداست، و باید از این کار توبه کنیم! چون میدانیم که همه ساختمان ها و پرسنل حقوق بگیر ما این ذهنیت تماشاجی بودن را در کلیساها پرورش داده اند که این روزها در اینجا بسیار شایع هست. و داره در آنجا هم شایع میشه.



و بذارید صادقانه بگم... همه این برنامه های زیبا و تقنی - مانعی جهت رسیدن به گمشدگان و تعامل با آنها در جوامع ما هستند. اگر فروتن شویم باید به این اقرار کنیم. و این رویه باید به خاطر جلال او در این شهر و به خاطر جلال او در بیروت باید عوض شود - این روال باید تغییر کنه. چطور میتونیم به بهترین شکل با انجیل در دنیا نفوذ کنیم؟ توسط کلیسا شدن کلیسا میتونیم این کارو بکنیم. شخصاً شاگرد سازی کردن، دادن زندگی های خودمون به خاطر دیگران، توسعه و انتشار انجیل این چیزیه که ما باید خودمونو وقف اون کنیم.

اکنون در زمانی به سر میبریم که بیش از هر زمان دیگه ای نیاز هست کلیسا بلند شده و به خاطر برادران و خواهران در اینجا و در آن سوی جهان کاری را انجام دهد که هدف از ایجاد کلیسا انجام آن بوده. ما باید به خاطر آن ها به بدن مسیح متعهد بمانیم. عیسی میدانست که در کلیسای او این وسوسه خواهد بود که آنها هر کاری بکنند جز کاری که عیسی به آنها فرمان داد که انجام دهند. و این جائیه که ما امروز در اون قرار داریم. او نگران این بود که مبدا کلیسا نزد گم شدگان نره. پس بیایید شروع کنیم به صرف وقت و منابع خودمون و هر چی که داریم و زندگی های خودمونو وقف این مأموریت بکنیم و بیائی توبه کنیم از راحت طلبی، راحت طلبی مفرط، و از الگو های خدمتی اساساً غیر کتاب مقدسی که در پیش گرفتیم و به سراسر جهان منتقل کردیم. زندگی شما به خاطر آنها به بدن مسیح متعهد هست. پس ما چیکار کنیم؟ ما چیکار باید بکنیم؟ عیسی میگه دعا کنید، دعا کنید، ما باید برای کارگر ها دعا کنیم، برای درو گران دعا کنیم که برند و محصول را درو کنند، از صاحب محصول بخواهید کارگر بفرسته. او نميگه برای گم شدگان دعا کنید. او ميگه برای کلیسا دعا کنید. دعا کنید تا صاحب و خداوند محصول درو گران را بیدار کنه. در ساختمان های کلیسا در سرتاسر این زمین دعا کنید خدا درو گران را بیدار کنه تا ببینند چیز های بی نهایت مهم تری از فوتبال و، سرگرمی ها و برنامه های اقتصادی وجود داره. خدایا به ما کمک کن.

ما با نبرد های ساختگی که در این فرهنگ ما را احاطه کرده اند نسبت به نبرد حقیقی در این جهان کاملاً کور شده ایم. ما حتی از صحبت کردن در مورد اینکه چطور میشه مثلاً در

آلاباما مردم را به مسیح دعوت کرد کراحت داریم، بیائید شروع کنیم به صحبت از اینکه چطور منجی عالم با عظمت خودش بر ملت ها نفوذ میکنه، بذارید این صحبت ها موضوع گفتگو های شما باشه، بذارید این چیز ها روز ما رو به شب برسونه – بذارید ساعت ها وقت صرف کنیم و از طریق اینترنت بفهمیم که چطور میتونیم برای خواهران و برادران خودمون در سراسر دنیا دعا کنیم. بیائید این کار را بکنیم، من معتقدم وقتی ما به این ترتیب دعا کنیم شاهد محصول عظیمی در این شهر و در خاور میانه خواهیم بود. برای دعا کردن به خواهران و برادران باید از نمونه هائی هدایت بشیم. باید توسط نمونه هائی هدایت بشیم. خدا نمونه های زیادی به ما داده. او منابع زیادی به ما داده، او فرصت های زیادی به ما داده، و تأثیرات زیادی به ما داده و ما در مقابل خدای این جهان پاسخگو خواهیم بود که چطور از آن منابع برای گسترش پادشاهی او در سراسر جهان استفاده کردیم. ما باید با نمونه ها هدایت بشیم.

### مأموریت زندگی شما حالا کار برای مسیح به خاطر آنها هست.

و این ما را به آخرین تصویر می رسونه. زندگی شما برای محبت مسیح نسبت به آنها سپری میشه، زندگی شما وقف بدن مسیح برای آنها شده. مأموریت زندگی شما حالا کار برای مسیح به خاطر آنها هست. مأموریت. من اینو دوست دارم. از صاحب محصول بخواهید کارگرانی بفرستد. آن عبارت **فرستادن** در اینجا همون عبارتی هست که در دیگر بخش های عهد جدید وقتی عیسی دیو ها را اخراج میکرد، به کار رفته اون کلمه **اخراج** در اصل به معنی **پرت کردن** هست. این بسیار زیباست. از خداوند بخواهید که کلیسایش را به سراسر جهان پرت کند. پرت کردن کلیسا – این چیزیه که ما برای اون دعا میکنیم که خدا انجام بده. کلیسا را به بیرون پرتاب کنه. و این همون کاریه که او در متی ۱۰:۱ انجام میده. ما اینطور میخونیم. او دوازده شاگردش را نزد خود خواند. اون کلمه عظیم دیگه ای هست که معنی حقیقی آن احضار هست. یعنی آنها را برای یک رویارویی حضوری فرا خواند. عیسی شاگردانش را احضار میکنه و تقریباً به چهره اونها نگاه میکنه و میگه: " بسیار خوب بچه ها دیگه زمانش

رسیده که برید من شما رو به دنیا پرتاب میکنم و مأمور هستید که کار مسیح را انجام دهید." و بعد به تغییر توجه کنید آیه میگه عیسی دوازده چی؟ شاگرد را پیش خود خواند و آیه میگه این است اسامی آن دوازده چی؟ رسول. آه این خارق العاده است شاگرد عملاً به معنی یاد گیرنده هست که از یک معلم پیروی میکنه. رسول به معنی کسی هست که توسط معلم فرستاده میشه. این تصویری از عیسی است که شاگردان را برای فرستادن احضار میکنه. و بله در سرتاسر عهد جدید چیز خاصی در مورد این افراد هست. همه آنها رسول هستند، و پولس هم رسول هست، اما تصویری که ما از عهد جدید به دست میاریم اینه که همه ما فرستاده شدیم. و تصویر این هست، وای این تصویر کلامی زیبایی هست، اون عملاً به معنی فرستاده یا مأمور کس دیگه ای بودن هست. پادشاهان رسولان یا سفیرانی میفرستند که عملاً نماینده آنها هستند. و اگه کسی به عنوان سفیر پادشاه جائی بره عملاً مثل این هست که خود پادشاه رفته. پادشاه عملاً توسط نماینده اش میرفت پس وقتی نماینده یا سفیر پادشاه به نزد شما میاد مثل این هست که خود پادشاه نزد شما آمده. پادشاه پیغامی برای شما داره. آیا این تصویر خارق العاده ای از کار عیسی نیست؟ او ما را فرا میخونه و ما رو می فرسته و هر جا که ما میریم مأموران و سفیران پادشاه هستیم.

و به آنها قدرت میده. او آنها را به تنهایی نمی فرسته، به آنان قدرت میده تا ارواح ناپاک را بیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا بخشند. او به آنها قدرت میده و خوبیش در اینه که تنها به خاطر خودشون به اونها قدرت نمیده. متی ۱۸:۲۸ درست قبل از مأموریت بزرگ " تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید." همون تصویری هست که در اونجا داشتیم. ما قدرت پادشاه را داریم. ما به عنوان مأموران پادشاه میریم، به عنوان سفیران پادشاه، و قدرت او را برای راندن روح های شریر داریم برای راندن تاریکی. اون یکی از محبوب ترین بخش های نشستن من در اون اتاق بود که در مورد مسیح صحبت میکردم و این حقیقت را میدونستم که مسیح قدرت

داره سبب بشه تمام تاریکی بگریزه. و اونجا بچه ها توی اتاق نشسته بودن و گوش میکردند، من به چهره اونها نگاه میکردم و میدونستم اولین بار هست که هر کدوم از اونها انجیل را میشنوند برای اونها دعا میکردم و میدونستم اولین بار هست که چهره آنها به طرف تخت پادشاه برگردانده شده. میدونستم کلام انجیل که بر زبان من جاری میشه و از دهان بیرون میاد، قدرت داره در قلب ها نفوذ کنه و اونها رو تغییر بده. ما قدرت پادشاه را داریم.

و ما زندگی می کنیم و می میریم تا پادشاهی توسعه پیدا کنه. این تصویر عظیمی در آیه هست. اون فهرستی از اسامی این مردان به ما میده. آیه میگه آنها در گروه ها فرستاده شدند. ما تصویری در انجیل می بینیم که آنها دو به دو فرستاده شدند و ما در این باره صحبت کرده ایم. چند موعظه قبل این مردان در گروه های کوچک تر از دوازده نفر دسته بندی شده بودند. و آنها میدانستند که اگر میخواند این پیغام پادشاهی را منتشر کنند، نمیتونند همه باهم در یک گروه جمع بشند، آنها باید چند گروه میشدند. از این رو به گروه های کوچک تقسیم شدند. این کاری بود که آنها کردند. چون میدانستند توده ها نیاز دارند اونو بدونند و اونها نمی خواستند همه چیز را نزد خودشون نگهدارند. اونها میخواستند اون رو گسترش بدن و منتشر کنند. آیا میدونید خدا ما را در چه دوره و چه زمانی از تاریخ جهان قرار داده؟ امروز جمعیت بیشتری از آنچه که تا کنون در جهان زیسته اند بر روی زمین وجود داره. چرا خدا پولس را برای سال ۲۰۱۵ نگه نداشته. چون او من و شما را در ۲۰۱۵ قرار داده.

در دوره مسیح، برآورد تخمینی آمار گران از جمعیت جهان ۲۵۰ میلیون نفر هست تقریباً کمتر از جمعیت ایالات متحده حدود ۱۸۰۰ سال طول کشید تا اینکه در ۱۸۵۰ میلادی جمعیت جهان یک میلیارد نفر شد. و بعد همه چیز رو به رشد نهاد و در عرض ۸۰ سال جمعیت دو میلیارد شد و ۳۰ سال بعد ۳ میلیارد و ۱۵ سال بعد ۴ میلیارد و ۱۰ سال بعد ۵ میلیارد تا اینکه امروزه به مرز ۷ میلیارد نفر رسیده، ۶/۵ تا ۷ میلیارد نفر.

اگر وضع به همین منوال پیش بره باید ملاحظه کنیم که هر برنامه تدریجی در کلیسا نا کارآمد خواهد بود. مهم نیست که برنامه چقدر بزرگ هست اگه برنامه یک نواختی باشه هرگز با

انفجار جمعیت جهان برابری نخواهد کرد. ما باید خودمون را وقف تکثیر تصاعدی کتاب مقدس در فرهنگ های مختلف جهان بکنیم. به این دلیل ما خودمون را وقف برنامه شاگرد سازی کرده ایم. ما زندگی میکنیم و میمیریم تا پادشاهی گسترش پیدا کنه. چون آیه ۲۱ تا ۲۸ عیسی با اونها در این مورد صحبت میکنه که چطور همه از آنان به خاطر او متنفر خواهند شد. و او میگه از کسانی نترسید که فقط میتونند جسم شما را بکشند. " شما آزار خواهید دید" او میگه " همونطور که بر من جفا کردند بر شما نیز خواهند کرد."

تصویر سنگین هست و برادران و خواهران ما در خاور میانه اینو میدونند. توی یه خونه با شبانی نشسته بودیم که سال گذشته خانه اش در درگیری لبنان و اسرائیل بمباران شده بود. با مردمی صحبت میکردیم که شب و روز در این تصویر در بیروت زندگی میکنند. از صحبت های مردی که از اسلام به مسیح ایمان آورده بود فهمیدم که اگه افراد بخصوصی بفهمند که او مسیحی شده او رو بلافاصله می کشند، و این کشته شدن قانونی هست. وقتی به این فکر میکردم بی اختیار دعا کردم که خدایا اجازه نده که ما به خاطر ترس از خطرات احتمالی از این مأموریت در کلیسا منصرف بشیم. چون اگه به خاطر ترس منصرف بشیم باید از خودمون بپرسیم ما واقعاً چه نوع مسیح را پیروی میکنیم؟ ما همه چیزمان را میدیم تا پادشاهی توسعه پیدا کنه.

کتابی هست به اسم کلیسای هدفمند که ریک وارن اون را نوشته – ریک وارن شبان کلیسای سدل بک هست. من میخوام از این به عنوان مثال استفاده کنم و میخوام از اولش اعلام کنم این به هیچ وجه یک انتقاد از او و یا اون کلیسا نیست. من توی اون کلیسا بودم. اونها کارهای خارق العاده ای میکنند تا مردم را به مسیح هدایت کنند و حتی کارهای بیشتری در نقاط دیگر دنیا انجام میدند. این خارق العاده است. پس این فقط برای مقایسه هست. پس اونو به خاطر داشته باشید.

و اما این کتاب رشد کلیسائی بزرگی بود و اون کتاب در مورد "سام سدل بک" صحبت میکنه و اون از این قراره که آنها مشخصات کسانی را که در جماعت آنها هستند شناسائی

میکنند و اونها گفته اند "ما هر کاری که بخواهیم انجام بدیم - به عنوان کلیسا - به خاطر این جوان شهری متخصص با چنین خانواده و چنین باورهایی انجام خواهیم داد ما چیزها را حول محور این شخص قرار میدیم. خوب این تقریباً پروفایل (مشخصات) سام سدل بک بود." آنها کلیساها را تشویق میکنند، "اگر میخواهید رشد کنید و به کسانی که مسیح را نمی شناسند دست بیابید، پس لیست مشخصاتی از افراد جماعت خود تهیه کنید و آنها را پیگیری کنید."

پس ما هم میخواهیم اون کارو بکنیم. اما اونو کمی متفاوت انجام خواهیم داد. ما برای کسی که اینجا در لیست مشخصات ما جا گرفته باشه زندگی نخواهیم کرد. باشه؟ اون لیست ما نیست. ما برای بادیه نشین ها کار خواهیم کرد. بذارید مشخصات آنها را بهتون بدم.

پروفایل ما اینه ۵ میلیون بادیه نشین پراکنده در کشور های خاور میانه که در شرایط نسبتاً سختی زندگی میکنند. آنها در چادر هائی بافته شده از موی بز در وسط نواحی بیابانی زندگی میکنند غذای بسیار کمی دارند و غالباً شرایط بهداشتی نامناسبی دارند. ۵ میلیون مرد و زن و کودک. و در بین جمعیت بادیه نشین فقط ۴۰ نفر ایماندار به مسیح وجود دارند - ۴۰ نفر از ۵ میلیون نفر که مسیح را میشناسند یعنی ۰.۰۰۰۸٪. چون یک بادیه نشین با ایمان آوردن به مسیح - میتونه قانوناً زندگی خودشو از دست بده. این لیست افرادی هست که ما به خاطر شان زندگی خواهیم کرد. و ما هر کاری که میکنیم به عنوان کلیسا در اینجا به خاطر آنها در آنجا خواهیم کرد.

و معنیش اینه که ما بسیاری از چیز هائی را که ممکنه مردم از ما توقع داشته باشند و یا ما از خودمون توقع داشته باشیم به عنوان کلیسا انجام بدیم، انجام نخواهیم داد. این کاریه که یک کلیسا انجام میده. ما در کلیسا بزرگ شده ایم و کلیسا این کار و این کار و اون کار رو انجام میده. و بسیاری از اون چیز ها زمانی مؤثر هستند که مخاطبین ما در یک شعاع ۱۰ مایلی از اینجا فاصله داشته باشند. اما مخاطبین ما دیگه در شعاع ۱۰ مایلی نیستند. مخاطبین ما کسانی هستند که ۱۰۰۰۰ مایل دورتر از اینجا زندگی میکنند و هرگز نام عیسی را نشنیده

اند. پس ما خودمون را وقف گروه های کوچک خواهیم کرد که از هر ملتی شاگرد میسازند. چون اگر ما این کار را بکنیم، و خودمون را وقف آن بکنیم بر مردم بادیه نشین با انجیل عیسی مسیح تأثیر خواهیم گذاشت. ما انجیل را به آنها خواهیم رساند. پس ما با کلیسا راهی سفری خواهیم شد تا نشان دهیم شروع کلیسا به خاطر کسانی که در آن سوی دنیا هرگز نام عیسی را هم نشنیده اند چگونه است. و من اطمینان دارم که در طی این مرحله ما شروع به درک قلب مسیح خواهیم کرد و شروع خواهیم کرد که زندگی خودمون را برای محبت مسیح نسبت به آنها سپری کنیم. و به بدن او متعهد خواهیم شد، برای آنها و مأمور کار او خواهیم شد به خاطر آنها.

کاری که میخوام در پاسخ به این کلام انجام بدیم دقیقاً چیزی که عیسی گفت انجام بدیم. من میخوام دعا کنیم. و من نمیخوام برای بادیه نشین ها دعا کنیم یا برای کسانی که مسیح را نمی شناسند. من میخوام کاری را بکنیم که عیسی گفت انجام بدیم. و میخوام برای کلیسا دعا کنیم. من میخوام بر طبق این کلام برای همدیگه دعا کنیم که خدا به همه از جمله خود من کمک کنه. کمک کنه تا همه ما تمام برنامه ها و پیش فرض های خودمون را وقتی به کلیسا فکر میکنیم، روی مذبح بذاریم، همه آنها را روی مذبح بذاریم و به سوی کتاب مقدس برگردیم و بپرسیم چگونه خدمتی کتاب مقدسی به خاطر آنها انجام بدیم. من میخوام برای همدیگه دعا کنیم. من میخوام برای این کلیسا دعا کنیم.

و میخوام برای برادران و خواهران مان در سراسر دنیا دعا کنیم که بر آنها تأثیر گذاشتیم. میخوام دعا کنیم خداوند به ما با آنها شراکتی در انجیل عطا کنه تا بتونیم متحداً با آنها کار شاگرد سازی را پیش ببریم. من میخوام از شما دعوت کنم برای برادران و خواهران مان در لبنان، سوریه، اردن، عربستان سعودی، در مصر، در الجزیره در عراق، در ایران و پاکستان دعا کنید. میخوام از شما دعوت کنم برای برادران و خواهران مان در سراسر جهان دعا کنید و بدونید که ما همین حالا این فرصت را داریم که با دعا های خودمون بخشی از تأثیر بر حصاد باشیم. از شما دعوت میکنم جزء کسانی باشید که در مقابل خدا بر خاک بیفتید

و بگوئید: " ما از تو می‌خواهیم کلیسای خودت را بیدار کنی، اینجا و در سراسر جهان تا اینکه ما با انجیل تو بر این حصاد تأثیر بگذاریم."

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق می‌کنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری می‌کنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید:

.By David Platt. © David Platt & Radical

:Website

Radical.net

David Platt 2007 28 ©